



دو سند مهم و تاریخی از حزب کمونیست کارگری حکمتیست

موقعیت "اپوزیسیون" قناعت خواهد کرد، هر دو، نسخه به خون کشیدن جامعه و مدنیت ایران است. اسلام سیاسی اکنون مسلح شده به دندان اتمی و رانده شده به اپوزیسیون، به مراتب وحشی تر و ضد مدنی تر و انتقامجویی و عملیات شهادت طلبانه اش، شنیعتر و ضدانسانی تر است. نمونه زنده فجایع جنون آمیز جریان اسلام اسلامی در عراق، در شرایط ظاهر شدن جمهوری اسلامی و بقایای اسلام سیاسی به عنوان اپوزیسیون فقط به یک تصویر مینیاتوری از صحنه های وحشتناک اینها در عراق شباهت خواهد داشت. این دو سند از حزب کمونیست کارگری حکمتیست، پاسخی روشن، مسئولانه و تیز و شفاف از نظر سیاسی به اوضاع کنونی جامعه ایران و مفاد و مبانی تحلیلی و سیاسی و جهتگیریها و احکام آنها تا زمانی که جمهوری اسلامی به طور کامل همرا با پایه ها و ستونهایش بزیر افکنده نشده ←

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی و بیانیه تضمین حق مردم در تعیین نظام آینده حکومتی ایران که اخیرا به تصویب حزب کمونیست کارگری حکمتیست رسیده و منتشر شده است، در دسترس همگان است. خطری را که جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی متوجه مدنیت جامعه ایران، منطقه خاورمیانه و جهان متمدن کرده است، با تشدید و گسترش مبارزه مردم ایران، جمهوری اسلامی را وارد میدانهای خطرناکتری در ماجراجوییهای تروریستی ساخته است. این وضعیت دولتهای غربی بویژه آمریکا را به جایی رسانده است که امکان و احتمال دخالت نظامی در ایران را محتمل کرده است. در همان حال گرایشها و جریانها و شاخه های مختلف اپوزیسیون راست را به صرافت طرحهایی مانند فراندوم کشانده است. دخالت نظامی آمریکا و توهم به اینکه اسلام سیاسی به

هشت مارس، تقابلها و موازنه ها!



عبدالله شریفی

صحنه سیاست ایران بسادگی یعنی تداوم این ۲۶ سال، یعنی سنگسار و ترور، یعنی بیحوقی و اسارت، پس این جنبش قدرتش به معنای تضعیف بلافاصله کل بساط رژیم جنایتکار اسلامی است، ←

امسال در شرایطی به استقبال هشت مارس روز جهانی زن میرویم که رژیم ضد زن جمهوری اسلامی بر متن برانهای عمیق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دست و پا میزند و به عمر ننگین خود ادامه میدهد، خود موجودیت رژیم اسلامی معضل محوری مردم ایران است و بر همین مبنا بستر اصلی جنبشهای اعتراضی مردم در ابعاد وسیع، سرنگونی حکومت اسلامی است. جنبش برابری طلب زنان در جامعه ایران، پاشنه آشیل جمهوری اسلامی

حزب دمکرات و خویشاوندی دیرینه با اسلام!



حسین مرادیبیگی

مصطفی هجری در این مصاحبه ضمن ابراز خوشحالی خود از نتایج مثبت "انتخابات" صفحه ۳

در مورد مصاحبه عرفان قانعی فرد با مصطفی هجری عرفان قانعی فرد با مصطفی هجری دبیرکل فعلی حزب دمکرات کردستان ایران مصاحبه ای عمدتا حول "انتخابات" اخیر عراق، موضع حزب دمکرات در قبال دخالت دولت



مصاحبه با صالح سرداری
در رابطه با احزاب سیاسی در جامعه کردستان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



صالح سرداری مصاحبه با صالح ویسی با صالح سرداری در رابطه با احزاب سیاسی در کردستان

اسماعیل ویسی:
صالح سرداری، شما در نشست اول شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست بحث "موقعیت احزاب سیاسی در کردستان" را ارائه دادید. هدف از طرح این بحث چه بود؟

صالح سرداری: هر نیروی سیاسی جدی اگر بخواهد در جامعه ای که دلان فعالیت میکند، تغییریری در جهت اهداف [آرمانهایی] که دارد ایجاد کند باید شناخت دقیق و روشنی از اوضاع سیاسی و موقعیت و جایگاه نیروهای فعال در آن جامعه را داشته باشد. بحث من در نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان برای جواب دادن به این مسئله بود. همه می دانیم حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق ظرف یک

سال و نیم گذشته تأثیرات مهمی بر موقعیت احزاب و گرایشات سیاسی فعال در صحنه سیاسی کردستان داشته است. این حضور باعث شده احزاب و جریانات ناسیونالیست در کردستان ایران نیز همانند همپالگی های خود در کردستان عراق تمام امید خود را به ژنرال های ششلول بند و توپ و تانک های دولت آمریکابه بندند تا شاید از این طریق به نوبی برسند. اینها عریانتر از گذشته ضدید خود را با منافع مردم کردستان و ایران نشان میدهند. در ظرف یک سال و نیم گذشته، حزب دمکرات کردستان با استقبال از حمله آمریکا به عراق و دعوت تلویحی از جورج بوش برای عراقیزه کردن ایران در کنار طرح فدرالیسم قومی و دادن بیانیه مشترک با حزب

فاشیست پان ایرانیست چند گام به سمت سکتهای قومی برداشته است. پاکسازی قومی برداشته است. علاوه بر این ناسیونالیسم کرد با استفاده از امکانات احزاب حاکم در کردستان عراق مانند تلویزیون و رادیو ها و رسانه های متعدد فعالیت های بسیاری را برای مسموم کردن فضای سیاسی در کردستان ایران انجام می دهند. با صرف هزینه های زیادی "هنرمندان" و "نویسندگان" و گروههای تاتر و داستان و... را به کردستان عراق برده و با برگزاری فستیوال و جشنواره و غیره میخوانند تاریخی را به خورد مردم بدهند که ربطی به زندگی انسان امروز جامعه کردستان ندارد. ناگفته نماند در این فضا سازی ارتجاعی جمهوری اسلامی از

آنجا که این فضا به نفعش است، این امر را برای ناسیونالیستهای کرد تسهیل میکند. دور از این فضای خرافه قومی و ملی، کمونیسم، جنبش اجتماعی و انسانی برابری طلبانه ای نیز هست که در صحنه سیاست کردستان حضور قدرتمندی دارد که با تکیه بر حقانیت دفاع از حقوق انسانی انسانهای این جامعه، جامعه را رادیکالیزه کرده و بر آن تأثیر میگذارد. حضور این جنبش را در اول ماه مه ها، ۸ مارس ها، جشن آدام برفی ها که امسال به شهر سنج محدود نماند وهمه شهرهای کردستان را در بر گرفت، اعتصاب کارگران نساجی و شاهو و... می توان دید. این جنبش را می توان در دفاع از نجات ژیل و یختیار دید. این جنبش را می توان ←

هشت مارس ...

قدرت ظاهر شدنش بمعنای عقب راندن طرف مقابل است و نه تنها این، بلکه مهمات تعرضات بعدی آزادیخواهی است* با این حساب روز جهانی زن برای زنان و مردم آزادیخواه ایران در مصاف خاصی است که باید بروشنی بر مسیر همین قطب نمای سیاسی جریان یابد*

در نتیجه شناخت این خصلتها، در هشت مارس امسال، لازم است از هم اکنون فضای جامعه را به رنگ خود در آورد* در جمعها دوستانه خود، در محل کار، در مدارس و محلات، بحث و تبادل نظر و سازمان و تشکل حول برگزاری ۸

مارس شکل گیرد و همه جا با شعار و مطالبات انسانی هشت مارس ترین شود* برای تغییر این موازنه نمیتوان به نقش افق و شعارها در برگزاری رادیکال و نمایش خصلت برابری طلب این روزتوجه جدی و اساسی نکرد* روز جهانی زن با هر وصفی، در تقابل پایه های سیاسی موجودیت رژیم اسلامی است* این حرکت در این مقطع علاوه بر نمایش همبستگی بین المللی یک جنبش جهانی پر قدرت، تعرضی است به رژیم آپارتاید جنسی و بیحقوقی زن در ایران، بنابراین بر گزاری هشت مارس وسیع خود بخود تعرضی است به ارکانهای حاکمیت رژیم که سالهاست با کشتار و شکنجه و سنگسار قادر نبوده است مردم را به

زندگی تحت قوانین و فرهنگ ضد انسانی اسلامی به تمکین بکشاند* همه میدانند که رژیمی که با بالا رفتن حجاب و روسری، با توسعه شبکه انترنت و ساتلایت کابوس مرگ خود را میببیند، حضور گسترده مردم در هشت با شعار سراسری (نه حجاب اجباری، نه آپارتاید جنسی، زنده باد آزادی و برابری) بقای نیم بندش را دشوارتر میکند* از اینجاست که اهمیت افق و شعار های فراگیر و انسانی و جهانشمول در دفاع از برابری انسانهایگیا که خود را پیدا میکنند* در این میان جریانات ناسونالیست نیمه اسلامی نیمه ملی که اکنون در باد عراقیزه کردن ایران، "براندازی رژیم از طریق فراندوم"، خوابیده اند،

قصد دارند دستگاه سرکوب این رژیم را دست بدست کنند، هر یک به نحوی در این روز "طرفدار" زن میشوند و به توهم پراکنی و اشاعه خرافات ملی دامن میزنند، این جریانات جایی در اهداف هشت مارس ندارند* در جامعه کردستان احزاب و جریانات سنت کردایتی و ناسیونالیستی در برخورد به مساله زن شناخته شده و بی مایه هستند* همه میدانند که اندوخته سیاسی و فکری این جریانات قوام بخشیدن به مردسالاری و سنتهای عقب مانده و ضد زن است، به جهان امروز ربط ندارند و هر روز از زرادخانه عتیق دوران تیولداری و خانخانی علیه زن و برابری انسان، تغذیه میکنند* زن نزد این سنت در بهترین حالت زن

نجیب و مادر مهربان است که در گوشه خانه سرویس دهنده* شیر مردان کرد* است **** جنبش برابری طلب در هشت مارس، علاوه بر محوریت قرار دادن تقابل با حکومت اسلامی و اسلام سیاسی بطور کلی، باید جبهه مقابله با خرافات ناسیونالیستی را نیز محکم نگهدارد* در این روز باید وسیعا دست هایمان را بهم قفل کنیم ویا فریاد زنده باد انسان و انسانیت مرزهای جنسی، مذهبی و ملی را بهم ریزیم

زنده باد هشت مارس

۲۲ فوریه ۲۰۰۵



آدرسها میتوانید به این اسناد دسترسی داشته باشید:

www.oktober.com

www.hekmatist.com

www.sjk-hekmatist.com

مطالعه، تکثیر و تعمق در باره اسناد تاریخی و مهم را به همه توصیه میکنیم.

**اکتبر نشریه کمیته
کردستان حزب کمونست
کارگری حکمتیست**

۲۲ فوریه ۲۰۰۵

مدنیت جامعه ایران و منطقه، دقیق و سنجیده بیان کرده اند. این اسناد را باید خواند، باید توانست حول راه حلها و سیاستهایی که طرح و بیان کرده اند، نیرو بسیج کرد و در مصاف مدنیت و توحش اسلام سیاسی و سناریوهای سیاه، جبهه آزادی، رفاه و سعادت و پیشرفت جامعه ایران و حقوق مدنی شهروندان را تقویت و تضمین کرد. مجموعه این اسناد همراه با بیانیه حقوق جهانشمول انسان در شماره ۲۶ کمونیست، نشریه حزب کمونیست حکمتیست چاپ و منتشر و قابل دسترس اند. به علاوه با مراجعه به سایتهای مختلف و از جمله این

دو سند مهم ...

است، صادق و مبنای اتکا و راهگشا هستند.

ما از جانب نشریه اکتبر به همه خوانندگان خود توصیه میکنیم که این اسناد را حتما بخوانند، به دوستان و آشنایان خود توصیه و آنها را وسیعا باز تکثیر کنند. این اسناد راه واقعی و مسیر عبور دادن جامعه ایران را از معابر خطرناکی که حاکمیت جمهوری اسلامی بانی و پایه آنهاست، به روشنی و صراحت از جانب یک حزب دخیل و مسئول در برابر مقدرات زندگی و سرنوشت

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است



در ایجاد کانون‌ها و نهادها و انجمن‌های مدافع حقوق انسان دید که در صحنه سیاسی جامعه کردستان علیرغم تمام سرکوبگری‌ها و فشارهای رژیم اسلامی و تبلیغاتی که ارتجاع بر علیه این جنبش راه انداخته قدرتمند در میدان حضور دارد. در کردستان هم کنون این دو جنبش با نمایندگان سیاسی خود در تقابل هم قرار دارند. اگر جنبش ملی کرد از امکانات وسیع و تبلیغات فراوانی که از کردستان عراق و کل ارتجاع در منطقه برخوردار است، جنبش چپ و انسانی برابری طلب به

نیروی مردم که برای رفاه و بهبود زندگی خود در تلاشند، تکیه دارد. حزب کمونیست کارگری حکمتیست به عنوان نیرویی جدی و فعال در کردستان برای پیشبرد امر مبارزه اش بنفع اکثریت مردم کارگر و زحمتکش آن جامعه باید با واقع بینی احزاب رقیب خود را که منافع طبقات دارای جامعه را نمایندگی می‌کنند بشناسد. آنها را نظریه‌ها هستند به مردم بشناساند.

اسماعیل ویسی: با توجه به آنچه که گفتید چه نتایج سیاسی، تاکتیکی و عملی از این بحث میشود استنتاج کرد؟ ناسیونالیسم

کرد و احزاب مربوطه در کردستان در این محبت شما چه جایگاهی دارند و شما موقعیت آنان را در شرایط کنونی و در تقابل بین چپ و راست جامعه در تلاطمات آینده چگونه ارزیابی میکنید؟

صالح سرداری: من فکر میکنم تشکیلات کردستان حزب ما جدا از اینکه برنامه‌های خود را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی که فعالیتی شبانه‌روزی و مداوم است همزمان باید مردم کردستان را در جریان سیاست‌های احزابی که خواب سناریوی عراق را در ایران و کردستان ایران می‌بینند، قرار دهد.

مردم کردستان باید علیه سیاست حزب دمکرات و جریانات ناسیونالیست در کردستان که از آمریکا می‌خواهند سناریوی عراق را در ایران نیز تکرار کند، بایستند و در برابر موج تبلیغاتی ارتجاع که اینها برآه انداخته، مقابله کنند. برای اینکه ارتجاع و کهنه پرستی یکبار دیگر نتوانند سرنوشت جامعه را به تباهی بکشند، برای اینکه از بالای سر مردم نتوانند هر چه را خود می‌خواهند به مردم تحمیل کنند، برای اینکه نتوانند مردم را از صحنه سیاسی جامعه دور کنند، احتیاج به صفی از فعالین کمونیست است که

استین‌ها را بالا زده و در پیشابیش کارگران و زنان و جوانان و همه انسانهای آزادیخواه به مبارزه ای همه جانبه دست بزنند. تشکیلات کردستان حزب حکمتیست همراه با رهبران و سازماندهندگان جنبش‌های اجتماعی باید به این امر مهم جواب دهند. تا آنجائیکه به نقشه عمل ما در ایر رابطه بر میگردد می‌توان به مصاحبه حسین مرادبیگی در نشریه کمونیست مراجعه کرد. با تشکر از شما

حزب دمکرات و ...

اخیر در عراق، از آن بعنوان "ندای آزادی در خاورمیانه" نام میبرد، "انتخاباتی" که حتی ایاد علاوی دست پرورده دستگاه جاسوسی و ضد جاسوسی دولت آمریکا نیز نگرانی خود را از روی کار آمدن يك حکومت اسلامی طرفدار جمهوری اسلامی ایران در عراق نتوانسته است پنهان کند. مصطفی هجری و رهبری حزب دمکرات همانطور که گفته اند، از نتایج این "انتخابات" واقعا خوشحالند، خوشحالیشان نیز از بابت خویشاوندی دیرینه ایست که اینها با اسلام البته از نوع "سنی" آن دارند. برای حزب دمکرات بقدرت رسیدن اسلام نیز میتواند بخشی از سناریوی شریک شدن در قدرت محلی باشد، در این مورد حزب دمکرات پرونده قطوری از "تلاش در راه تفاهم" و از ناکامی و سر به سنگ خوردن دارد که در نوشته‌های مختلفی به آن اشاره کرده ام. مگر عبدالله حسن زاده دبیرکل سابق این حزب در نجف بیدار خمینی نشاتفت، مگر حزب دمکرات در سال ۵۸ به خمینی "لبیک" نگفت، ظاهرا این تجارب در مقابل عشق به شریک شدن در قدرت محلی بهر

ترتیب، برای حزب دمکرات و رهبری آن موجب هیچ درس و تجربه ای نشده و نخواهد شد. دلیلش بخشا نیز به ماهیت خود این احزاب برمبگردد. حزب دمکرات و دیگر احزاب جنبش ملی کرد نه تنها در مورد اسلام و خرافه مذهب گابردی ندارند که چنگ زدن به "اعتقادات مردم مسلمان کرد" و تقدیس عقب ماندگی و خرافه مذهب در جامعه کردستان یکی از راههای رسیدن به قدرت و شریک شدن آنان در قدرت محلی بوده است. برای رهبری حزب دمکرات "دین مبیین اسلام" هم وسیله ای است برای تحریک عقب مانده ترین افکار در خدمت اهداف خود و هم بخشا در خدمت دادن چراغ سبزه‌های گاه و بیگاه و بند و بست این حزب با جمهوری اسلامی. سکوت در مقابل فجایع اسلام سیاسی و گروههای اسلامی در ایران و در منطقه و بویژه در بغل دست اردوگاههای اینها در کشتار زنان در کردستان عراق تحت عنوان "قتل ناموسی"، بخشی از دفاع و حمایت این حزب از اسلام و از مذهب و خرافه است. دلیلی ندارد مصطفی هجری اکنون که می‌بیند اسلام سیاسی تقویت میشود، خوشحالی خود را از بابت روی کارآمدن و تقویت آن در عراق ابراز نکند. چه از

نظر فضای فکری رهبری این حزب و چه از نظر محکم کاریهای امروزشان برای ساخت و پاخت با این نیروها در آینده. مصطفی هجری از اینطریق دارد پیام حزب دمکرات را به گروههای اسلامی میرساند، دارد رهبری حزب دمکرات را در خوشحالی گروههای اسلامی و جمهوری اسلامی که تنها برنده این انتخابات بودند، شریک میکند. از حزب دمکرات و دیگر احزاب ناسیونالیست کرد از این بیشتر انتظاری نیست. این احزاب با اسلام خویشاوندی دیرینه ای دارند، مذهب و ملا و خرافه بخشی از پیکره آنها و تقدیس عقب ماندگی در کردستان جزو "افتخارات" آنها محسوب میشود. عجیب این بود که اینها به گسترش و تقویت اسلام سیاسی در عراق و در منطقه اعتراض میکردند، عجیب این بود که اینها در کنار بشریت متمدن علیه فضای تروریستی ناشی از حمله نظامی دولت آمریکا به عراق و از گسترش تروریسم اسلامی، اعتراض میکردند. فضای زن ستیز و مرد سالار و مذهب زده کردستان عراق تحت "حاکمیت" احزاب ناسیونالیست کرد، گوشه ای از جامعه تحت حاکمیت اینها و از درآمیختن اینها با مذهب و خرافه را

نشان میدهد. نیروی انتظامی پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) در ماه رمضان دنبال "روزه خوارها" میگردد و در پارکها مواظبند که مبادا دختر و پسری دست در دست هم دیده شوند. مصطفی هجری نیز در تایید این وضعیت که در شهرهای عراق زیر سلطه گروههای اسلامی حاکم شده است، میفرمایند، مردم عراق نگران نباشند، اسلام یکی از پایه‌های "قانونگذاری" کشوری در عراق خواهد بود، نه بیشتر! حزب دمکرات مثل هر پدیده ارتجاعی دیگری در شرایطی که ارتجاع و کهنه پرستی بویژه در قالب مذهبی آن در مقابل صف چپ و رادیکال جامعه دست بالا را پیدا کند، با تمام سرعت رو به آن میچرخد، این را ما دهها بار در کردستان ایران شاهد بوده ایم. اکنون نیز در شرایطی که اسلام سیاسی در عراق تقویت شده و دارد در مقابل صف سکولار و رادیکال این جامعه دست بالا را پیدا میکند مجددا ماهیت کهنه پرستانه خود را به مردم کردستان نشان میدهد. همتهای اینها، جلال طالبانی و مسعود بارزانی، هم اکنون تحت نام "رئیس جمهور" شدن دارند سناریوی بقدرت رسیدن اسلام سیاسی در عراق را جلو میرانند، نه تنها این، بلکه کردستان عراق را که

در آن حداقل از مدنیستی برخوردار است در جهنم اسلامی ای که در راه است، ذوب میکنند. مردم کردستان جلال طالبانی و مسعود بارزانی را نخواهند بخشید، آنان را افشاء خواهند کرد. این ترفند جدید اینها نیز همانند روبروسی صدام حسین قطعاً جز بی آبرویی بیشتر آنان در میان مردم کردستان نتیجه ای بسار نخواهد آورد. اینها در ائتلافی شرکت میکنند که موقتی بودن و بی آینده بودن آن از هم اکنون محتوم است. مصطفی هجری آخوند و ملا و "اسلام پرست" و حزب مصطفی هجری، حزب دمکرات، نیز در میان صف عظیم مردم آزادیخواه و سکولار و برابری طلب کردستان ایران جایی ندارند. جوانان سکولار هم اکنون این کهنه پرستی و جهل و خرافه را شب و روز در امکان عمومی مسخره میکنند. با حرکت درآمدن موج عظیم جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و جاروکردن اسلام از جامعه، آنچهان نیروی عظیمی علیه اسلام و خرافه مذهب آزاد میشود که مکلاهایی مانند مصطفی هجری و امثال رهبری حزب دمکرات، برای همرنگ شدن با آن ناچار از تظاهر به بی خدایی خواهند شد.

رادیو پرتو، صدای همه انسانهایی است که برای آزادی و برابری تلاش میکنند.

این رادیو هر شب از طریق اینترنت پخش میشود و بزودی کار خود را روی طول موج کوتاه آغاز خواهد کرد!

رادیو پرتو

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب دمکرات و ...

و اما در مورد حل مساله ملی کرد: احزاب ناسیونالیست جنبش ملی کرد خواهان حل واقعی و چاره ساز مسله ملی کرد نیستند، چه در کردستان عراق و چه در کردستان ایران، فعلا ترکیه یا جای دیگری بکنار. تعجب نکنید. این را ما بارها گفته ایم. بروید از خودشان پرسید، جواب میدهند که نمی خواهند جدا شوند. ادعا میکنند از ایرانی ها و از عراقی ها "ایرانی تر" و "عراقی تر" اند. سابق میگفتند بشرط گرفتن "خودمختاری" در این کشورها میمانند. بعد از ۵۰ سال ظاهرا متوجه این تناقض شده اند که نمیشود گفت با یک عده زیر یک

سقف زندگی میکنم به این شرط که خودم خودمختار باشم! یا شاید فعلا فدرالیسم را "پراگماتیکتر" میدانند. درهرحال، الان تصمیم گرفته اند تناقض "خودمختاری" را از طریق "فدرالیسم" حل کنند، میخواهند همه "خودمختار" شوند تا جنبش ملی کرد و احزاب مربوطه نیز به "خودمختاری" خود برسند، و برای این کار بقول مصطفی هجری خواهان این هستند که نظام آینده ایران هم بر این اساس، فدرالیسم قومی، تعیین شود. احزاب ناسیونالیست کرد بجای اینکه بروند سراغ اصل مساله، بروند سراغ حل چاره ساز مساله ملی کرد، سابقا با "خودمختاری" استخوان لای زخم میکاشند، اکنون با شعار فدرالی خود دنبال پاکسازی قومی اند. کشیدن مرزها براساس "هویت قومی" انسانها تنها نتیجه عملی آن، راه انداختن یک جنگ قومی و پاکسازی قومی خواهد بود، چه در عراق که دارد به آن سمت میروند و چه در ایران بعد از رفتن جمهوری اسلامی که حزب دمکرات همراه بخشهایی از اپوزیسیون راست از هم اکنون پرچم آن را برافراشته اند. این همانطور که قبلا گفتیم عملا چیزی

جز سنگری بندی مردم در هر شهر و در هر روستا در مقابل همدیگر نیست. مردمی را که تا دیروز با هم بدون تنش قومی چندانی زندگی و مشترکا علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده اند، به جان هم میاندازند. تنها راه کارساز و عملی حل این مساله برگزاری یک فراندیم (همه پرسی) است که راه حل ما، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، است. ما بقدرت رسیدن این فراندیم را فوراً به اجرا میگذاریم. در کردستان عراق در ۱۳ سال گذشته هر روز آن بویژه با رفتن صدام و حکومت بعث، امکان طرح و اجرای این همه پرسی بود، اما دو حزب اصلی کردستان عراق، پارتی و اتحادیه میهنی، عملاً از آن ممانعت کردند، حالا دارند این بخش از جامعه عراق را که حداقل مدنیستی در آن جاری است در عراقی که در دو قدمی حکومت اسلامی و یا جنگ داخلی است به امید رسیدن به "فدرالیسم" خود، ادغام میکنند. چرا احزاب ناسیونالیست کرد از قبول این راه حل سر باز میزنند و حتی بعضاً با تنفر نیز از آن یاد میکنند؟ این کار نه به خاطر این است که گویا راه حل فراندیم از راه

ارتجاعی بیپوده ای که آنها ۵۰ سال است می پیمایند و اکنون با فدرالیسم شان دارند مردم کردستان را از چاله به چاه میاندازند، مشکل تر است، به هیچ وجه. مساله این است که اینها خواهان شریک شدن در قدرت محلی اند، بهر قیمت. این آن نان دانی است که جنبش ملی کرد و احزاب مربوطه از قبل اعمال ستم ملی توسط دولت بورژوازی مرکزی بر مردم کردستان، نان خود را از آن میخورند. ثروت باد آورده و کاخهای آنها در کردستان عراق در قبال تحمیل ۱۳ سال فقر و فلاکت به مردم کردستان عراق گویای این حقیقت است، شرایطی که مصطفی هجری و رهبری حزب دمکرات هم هر شب خواب آن را می بینند. متأسفانه اعمال ستم ملی توسط دولتهای ارتجاعی منطقه بر مردم کردستان، اکنون در ایران، جمهوری اسلامی، به جنبش ملی کرد و احزاب مربوطه امکان داده است که از این ناندانی بخورند و این معضل را به قیمت تحمیل مصائب و در بدی های هرچه بیشتری به مردم کردستان تحمیل کنند. مصطفی هجری و حزب دمکرات طرح فدرالیسم و یا دعوت تلویحی از

دولت آمریکا برای عراقیزه کردن ایران را گامی در تثبیت دراز مدت تر این وضعیت به نفع خود می بینند. در طرح فراندیم، برعکس، مردم کردستان با رای مسقیم و آزادانه خود وارد صحنه میشوند و در این نان دانی و بند و بست دائمی آنها علیه مردم کردستان و علیه همدیگر بسته خواهد شد. در عراق ما از پروژه استقلال کردستان عراق حمایت میکنیم. در ایران ما خواهان برگزاری یک فراندیم هستیم که در آن مردم کردستان به دو چیز رای دهند، یا بشرط برخورداری از حقوق کامل شهروندی خود و پایان دادن به شهروندی درجه دو بودن در چهارچوب ایران باقی میمانند، یا راه خود را میگیرند و دولت مستقل خود را تشکیل میدهند. سیاست ما در این مورد نیز روشن است ما از مردم کردستان ایران میخواهیم و برای آنها تلاش میکنیم که مردم کردستان ایران در صورت برسمیت شناختن حقوق شهروندی کامل، با اتحاد آزادانه و داوطلبانه خود در چهارچوب ایران باقی بمانند.

۲۰ فوریه ۲۰۰۵

تلویزیون پرتو



مدیر مسئول:
آذر مدرسی

برنامه پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت 7.30 تا 8.30 شب به وقت تهران (5 تا 6 بعدازظهر به وقت رویای مرکزی و 8 تا 9 صبح به وقت مریکا غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود.

این برنامه پنجشنبه ها ساعت 7.30 تا 8.30 صبح تهران مجدداً پخش میشود.

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

<http://www.hekmatist.com/parto/>

باز هم فاجعه زلزله

هنوز آثار تراژدی زلزله بم به قوت خود باقیست که باز هم زلزله در همان منطقه قربانی گرفت. بامداد امروز زمین لرزه ای بقدرت ۶٫۴ درجه در مقیاس ریشتر در نزدیکی شهر زرنند از توابع استان کرمان چندین روستا را ویران کرده است؛ شدت این زمین لرزه در شهرها و روستاهای اطراف مردم را وحشت زده کرده است؛ مردم در شهرهای یزد، کرمان، مابید و بهاماد از ترس، خانه های خود را ترک کرده و به خیابانها آمده اند. هنوز آمار دقیق تلفات این فاجعه انسانی معلوم نیست، آنچه مسلم است صدها نفر در این حادثه دردناک جان خود را از دست داده اند و هزاران نفر زخمی و بی سرپناه در معرض سرمای شدید قرار گرفته اند.

رژیم جنایتکاران اسلامی به سیاق همیشه در قبال این فاجعه با بی مسولیتی و لاقیدی به جان مردم، هنوز کمترین امکان امداد رسانی را فراهم نکرده است؛ صبح امروز در اعتراض به این بی مسولیتی مردم در مقابل فرمانداری زرنند تجمع کردند. فرماندار شهر زرنند ریزش باران را بهانه عدم ارسال گروههای امداد اعلام کرده

است؛

مردم ایران بارها و از جمله در جریان تراژدی انسانی زلزله بم نقش مخرب رژیم اسلامی را تجربه کرده اند، جمهوری اسلامی با تحمیل کردن فقر و فلاکت و دور کردن مردم از امکانات زیست مسئول مستقیم اینگونه فجایع است؛ مردم معترض بویژه در شهرهای کرمان و زرنند با ادامه اعتراض به مقامت دولتی در مقابل استانداری و فرمانداری میتوانند دولت را مجبور به تامین امکانات محافظتی و زیستی مردم مصیبت دیده کنند؛

مردم در سراسر ایران و در شهرهای اطراف با سازماندهی شبکه های یکمک رسانی و مراکز امداد رسانی مستقل از دولت میتوانند سریعاً به یاری بازماندگان زلزله اطراف زرنند شهر بشتابند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست این فاجعه انسانی را به همه مردم و بویژه بازماندگان قربانیان این زلزله صمیمانه تسلیت میگوید و مردم را به یاری مصیبت دیدگان این حادثه غم انگیز فرامیخواند؛

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

۴ اسفند ۱۳۸۳ - ۲۲ فوریه ۲۰۰۵

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

دبیر: حسین مرادبیگی

h_moradbeigi@yahoo.com

Tel: 00447960233959

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

تلفن: 0046736975226

Sharifi_abdollah@yahoo.com

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

اکتبر چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!